

تبیین علی امنیت اجتماعی بر اساس روان آزرده گرایی: نقش واسطه‌ای ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی

A Causal Explanation of Social Safeness Based on Neuroticism: The mediating Role of Basic Psychological Needs Satisfaction and Frustration

Hamid Barani, PhD student ✉

Mohsen Arbezi, PhD student

Mahboobeh Fooladchang, PhD

حمید بارانی^۱

محسن آرزبی^۲

محبوبه فولادچنگ^۲

Abstract

Despite the importance of social safeness, little research has provide a causal explanation. Therefore, the purpose of this study was to introduce a causal explanation of the social safeness based on neuroticism and the satisfaction and frustration of basic psychological needs among a group of undergraduate students at Shiraz University. Participants were 291 (170 girls) during 2020-21 academic year, who were selected using a multi-stage random cluster sampling method. They completed the Costa and McCrae neuroticism scale (1992), basic psychological needs satisfaction and frustration scale Chen et al. (2015), and social safeness and pleasure scale Gilbert et al. (2009). The validity and reliability of the research scales were evaluated and confirmed using confirmatory factor analysis and Cronbach's alpha coefficient. For analyzing the research model, path analysis and Amos 24 software was used. Also, the results showed that the research model fits well with the data collected. Findings showed that neuroticism predicted social safeness indirectly (Through the mediation of the basic psychological needs satisfaction and frustration). In general, the results of this study indicate that social safeness planning requires attention to both personality traits and the situations created by these traits, such as the satisfaction and frustration of basic psychological needs. The results are discussed based on research and theoretical evidence.

Keywords: Basic Psychological Needs, Satisfaction, Frustration, Social Safeness, Neuroticism.

چکیده

علی‌رغم اهمیت امنیت اجتماعی، پژوهش‌های اندکی به تبیین علی آن پرداخته‌اند. از این رو، هدف پژوهش حاضر تبیین علی امنیت اجتماعی بر اساس روان آزرده‌گرایی و ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی در گروهی از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز بود. مشارکت‌کنندگان ۲۹۱ نفر (۱۷۰ دختر) از دانشجویان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و مقیاس‌های روان آزرده‌گرایی مک‌کری و کاستا (۱۹۹۲)، ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی چن و همکاران (۲۰۱۵) و امنیت اجتماعی گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹) را تکمیل کردند. روایی و اعتبار مقیاس‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی و ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل مسیر و نرم افزار ایموس ۲۴ استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده برازش مطلوبی دارد. هم‌چنین، نتایج نشان داد که روان آزرده‌گرایی به طور غیرمستقیم (از طریق واسطه‌گری ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی)، پیش‌بینی‌کننده امنیت اجتماعی است. به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که برنامه‌ریزی‌ها در خصوص امنیت اجتماعی نیازمند توجه هم به صفات شخصیتی و هم به موقعیت‌های ایجاد شده توسط این صفات، مانند ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی، است. نتایج بر مبنای شواهد نظری و پژوهشی مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ارضاء، ناکامی، نیازهای بنیادین روانشناختی، امنیت اجتماعی، روان آزرده‌گرایی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۸ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۷/۱۵

۱. گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

● مقدمه

کیفیت روابط اجتماعی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روانی افراد داشته باشد (پی، رورکی، بودیمر و پرویست، ۲۰۲۰). احساس امنیت و کیفیت مطلوب در روابط نزدیک موجب کاهش مشکلات روانشناختی هم‌چون افسردگی (فیصل‌کری، تاب و ماتیسویچ، ۲۰۲۰) و اضطراب اجتماعی (مرسر، کروستی، میوس و برانج، ۲۰۱۷) می‌شود. گیلبرت (۲۰۰۵) مفهوم امنیت اجتماعی (social safeness) را به معنای روابط عاطفی گرم و آرامش‌بخش با افراد نزدیک و قابل اعتماد مطرح کرد. امنیت اجتماعی بخشی از مدل سه‌وجهی نظام تهدید-دفاع (threat-defense system)، نظام جست‌وجو و اکتساب‌کننده (drive-seeking and acquisition system) و نظام آرامش (soothing system) است. این سه وجه به عنوان نظام‌های تکامل‌یافته جهت پاسخ به مجموعه خاصی از محرک‌های محیطی در افراد به وجود آمده است. این مدل که براساس مفروضه‌های تکامل‌گرایی بنا نهاده شده است، هر موجود زنده‌ای را حداقل با سه تکلیف اساسی در زندگی روبرو می‌داند: ۱- شناسایی، گریز و محافظت از خود در برابر تهدیدات ۲- به دست آوردن، کنترل و حفظ منابع لازم برای بقاء و تولید مثل، و ۳- حفظ آرامش و احساس امنیت.

این سه نظام اغلب فعالیت‌های انسان را تحت پوشش قرار می‌دهند. هم‌چنین پویایی بین این نظام‌ها نیز نکته قابل توجه دیگر است. بدین صورت که عدم تهدید و یا نیاز به جستجوی منابع، نظام امنیت اجتماعی را فعال نموده و آرامش و امنیت را برای فرد به ارمغان می‌آورد (گیلبرت، ۲۰۰۵). امنیت اجتماعی مبتنی بر مفهوم دل‌بستگی بالبی (۱۹۸۲) است که در آن پایه‌ای امن ایجاد می‌شود و به نشانه‌های اجتماعی از گرمی و صمیمیت، مهربانی و حمایت دیگران حساس است. گیلبرت، مک‌اوان، بلوی، میلز و گیل (۲۰۰۹) اظهار داشت که نظام آرامش (حفظ آرامش و احساس امنیت) احتمالاً در کنار نظام دل‌بستگی تکامل یافته و اکنون در پاسخ به نشانه‌های وابستگی از سمت مراقب‌ها، شرکای عاشقانه، دوستان، آشنایان و غریبه‌ها احساس امنیت اجتماعی را به همراه می‌آورد (لیوتی و گیلبرت، ۲۰۱۱).

امنیت اجتماعی با پیامدهای روانشناختی مختلفی هم‌چون طیفی از اختلال‌های محور دو، خودسرزنش‌گری، عزت‌نفس پایین، تمایلات پارانوئید، کناره‌جویی اجتماعی و افسردگی مرتبط است (کلی، زورف، لایمن و گیلبرت، ۲۰۱۲). در رابطه با پیشایندهای امنیت اجتماعی، گیلبرت (۲۰۰۵) اظهار داشت در حالی که برخی از افراد نسبت به دیگران احساس امنیت بیشتری دارند، سطح امنیت افراد نیز بسته به میزان تهدیدهای موجود در محیط‌های اجتماعی آن‌ها متفاوت است. علاوه بر مؤلفه‌های محیطی، اسلاویچ (۲۰۲۰) توصیه می‌کند که نقش پیشایندهای عوامل درون‌فردی از جمله ژنتیک و مؤلفه‌های مربوط به آن مانند صفات شخصیت نیز در پیش‌بینی امنیت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

به نظر می‌رسد که از بین عوامل درون‌فردی، صفات شخصیت به دلیل اینکه ویژگی‌های پایداری هستند و تا حدودی توسط ژنتیک تعیین می‌شوند (گانی‌بان و همکاران، ۲۰۰۹)، اغلب بر جنبه‌های مختلف شناختی، رفتاری و هیجانی اثرگذارند (اشرف و سبتوات، ۲۰۱۶) و می‌توانند در میزان امنیت اجتماعی افراد اثرگذار باشند. از جمله مدل‌های برجسته در زمینه صفات شخصیت، مدل پنج‌عاملی است که پنج صفت وظیفه‌شناسی، گشودگی به تجربه، روان‌آزوده‌گرایی، برون‌گرایی و توافق‌پذیری را به عنوان ابعاد اصلی شخصیت معرفی می‌کند (لانگلی و همکاران، ۲۰۱۷). به طور کلی، شواهد تجربی گویای این است که صفات وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و توافق‌پذیری با پیامدهای مثبت هیجانی و صفت روان‌آزوده‌گرایی با پیامدهای منفی هیجانی در ارتباط است (اکرم و مالیک، ۲۰۱۱؛ ناب و ووگت، ۲۰۱۱). اما از آنجا که به زعم بسیاری از پژوهشگران صفت روان‌آزوده‌گرایی یک عامل خطرآفرین برای سلامت روانی و جسمی بوده و با اختلال‌های رایج روانشناختی در ارتباط است (آرمل و همکاران، ۲۰۱۳؛ گودوین، کاکس و کلارا، ۲۰۰۶) و هم‌چنین سایه شوم خود را بر کیفیت روابط اجتماعی افراد نیز می‌افکند (هوفریشتر و رافلدنر، ۲۰۱۵)، در این پژوهش از بین صفات شخصیتی، روان‌آزوده‌گرایی به عنوان پیشایندهای امنیت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

روان‌آزوده‌گرایی به عنوان تمایل به تجربه تأثیرات منفی هیجانی و خلقی (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲) و درک محیط به صورت تهدیدآمیز و دشواری در مدیریت محیط (اسلواش و همکاران، ۲۰۱۸) شناخته می‌شود. افراد با نمره بالا در روان‌آزوده‌گرایی مستعد ابتلا به ایده‌های غیرمنطقی هستند، کمتر قادر به کنترل تکانه‌های خود بوده، و ضعیف‌تر از دیگران با استرس مقابله می‌کنند (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲؛ ویدیکر و اولتمان، ۲۰۱۷). روان‌آزوده‌گرایی با مشکلات بین‌فردی (باس و لارسن، ۲۰۲۰؛ داود، محمود، نعیم و سلیم، ۲۰۱۸)،

پرخاشگری (سان، ایکسو، بای، ژانگ، لین و کاو، ۲۰۱۶)، حمایت اجتماعی ضعیف (سویکرت، هیتنر، هریس و هرینگ، ۲۰۰۲)، احساس تنهایی (کوررا، هینسلی و دزوئیگ، ۲۰۱۰)، ترس از طرد شدن در روابط بین فردی (مالونی، پیلو و عثمان، ۲۰۱۲) و نارضایتی در روابط عاطفی (عباسی و القمدی، ۲۰۱۷؛ گاتیس، برنز، سیمپسون و کریستینسن، ۲۰۰۴؛ مالوف، تورینسن، اسکات، بوهرلر و روکی، ۲۰۱۰) مرتبط است. همچنین روان‌آزرده‌گرایی با تشدید سبک‌های گوشه‌گیری به هنگام مواجهه با تعارض‌های بین‌فردی، رضایت از روابط را کاهش می‌دهد. نکته قابل تامل این است که انزوا، طرد، محرومیت، پرخاشگری و تعارض اجتماعی تهدیدهایی جدی برای امنیت اجتماعی به شمار می‌روند (اسلاویچ، ۲۰۲۰). لذا به نظر می‌رسد که روان‌آزرده‌گرایی با فراهم آوردن پاسخ‌های غیرانطباقی در روابط بین‌فردی، می‌تواند بر میزان امنیت اجتماعی افراد اثرگذار باشد. شکاف پژوهشی در این زمینه نیز بر ضرورت بررسی این رابطه دامن می‌زند.

در خصوص این تاثیراتی که صفات شخصیت به صورت مستقیم و غیر مستقیم ایجاد می‌کنند، باس و لارسن (۲۰۲۰) و کوهن و مورس (۲۰۱۴) نیز اذعان نموده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی از طریق واسطه‌هایی که ایجاد می‌کنند بر عملکرد و احساس افراد اثر می‌گذارند. به عنوان مثال افراد با صفات شخصیتی مختلف موقعیت‌های متفاوتی برای ارضاء یا ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی خود ایجاد می‌کنند و نیازهای بنیادین روانشناختی نیز می‌توانند به طور کلی بر هیجانات مثبت و منفی ناشی از روابط افراد و به نوعی احساس امنیت آنان اثرگذار باشند (ابرا-رویلارد و کوپیر، ۲۰۱۱).

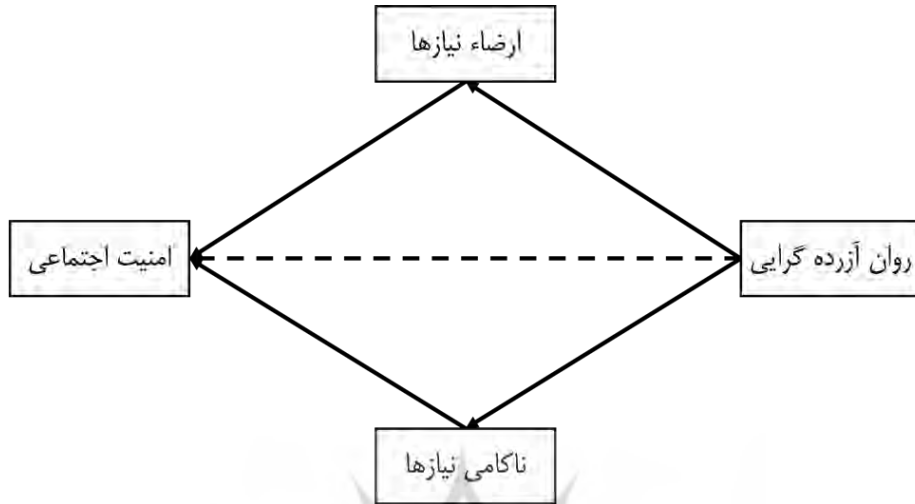
مطابق نظریه خودتعیین‌گری، اصطلاح نیاز به عنوان منبع تغذیه روانشناختی تعریف می‌شود که برای سازگاری، یکپارچگی و رشد افراد ضروری است (ریان و دسی، ۲۰۱۷) که از این منظر فرض رابطه بین نیازهای بنیادین روانشناختی و امنیت اجتماعی منطقی به نظر می‌رسد. به عنوان مثال، اسلاویچ (۲۰۲۰) نیاز به تعلق و پذیرش را از منابع اثرگذار بر امنیت اجتماعی می‌داند. خودمختاری (autonomy)، شایستگی (competence) و ارتباط (relatedness) سه نیاز بنیادین روانشناختی مشترک در همه افرادند (ریان و دسی، ۲۰۱۷) و افراد در تلاش برای برآورده‌سازی آن‌ها در هر مرحله‌ای از زندگی هستند (وان‌ستین کیست، ریان و سونسون، ۲۰۲۰).

ارضاء یا ناکامی هر یک از نیازهای مذکور می‌تواند پیامدهای متفاوتی را رقم بزند. به گونه‌ای که ارضاء نیازها موجب رخداد پیامدهای سازگارانه و ناکامی آن‌ها پیامدهای ناسازگارانه را موجب می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۵). خودمختاری به نیاز شخص برای دیدن خود به عنوان منشاء فعالیت‌ها، تجارب و انتخاب‌هایش اشاره دارد. در حالی که ناکامی نیاز به خودمختاری شامل احساس کنترل‌شدن و تحت فشار اجبارها بودن است. شایستگی به نیاز به کنترل نتیجه و دستیابی به کارآیی اشاره دارد، در حالی که ناکامی نیاز به شایستگی شامل احساس بی‌کفایتی، تردید در مورد خودکارآمدی و ناموفق بودن در نشان دادن توانایی خود است. ارتباط نیز به نیاز به ارتباط با دیگران و احساس تعلق اشاره دارد، در حالی که ناکامی نیاز به ارتباط و تعلق شامل تجربه محرومیت از رابطه و احساس تنهایی است (ریان، دسی و وان‌ستین کیست، ۲۰۱۶؛ ریان و دسی، ۲۰۱۷؛ نیشیمورا و سوزکی، ۲۰۱۶).

مرور پیشینه پژوهشی نشان‌دهنده رابطه مثبت ارضاء نیازهای اساسی روانشناختی با پیامدهای مثبت ارتباطی هم‌چون بهزیستی اجتماعی (لئو، ۲۰۱۸)، روابط اجتماعی با کیفیت‌تر (بیکر، والتینگ‌تون و نی، ۲۰۲۰)، دنبال نمودن فعالانه تعاملات (گارن، مورین و لونسدیل، ۲۰۱۹) و راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان (محمدی و فولادچنگ، ۱۳۹۸) است. از سوی دیگر ناکامی نیازهای اساسی روانشناختی با عوامل برهم‌زننده امنیت و لذت اجتماعی هم‌چون زورگویی (هین، کوکا و هاگر، ۲۰۱۵) و پرخاشگری (واندنکرکوف، برینینگ، وانستینکیست، لویتن و سونس، ۲۰۱۹) مرتبط است. چنانچه پژوهش‌های پیشین نیز نشان می‌دهد که ارضاء مطلوب این نیازها با شاخص‌های امنیت اجتماعی هم‌چون نشاط ذهنی (تیلور و لانسدیل، ۲۰۱۰)، عزت نفس (یومیت، ۲۰۱۵) و اضطراب پایین (بارد، دسی و ریان، ۲۰۰۴) همراه است. هم‌چنین یافته‌های حاصل از سایر پژوهش‌های تجربی نشان‌دهنده رابطه منفی روان‌آزرده‌گرایی و نیازهای بنیادین روانشناختی (اینسکو و جاکوب، ۲۰۱۹؛ فریدونی، نادینجف‌آبادی و بساک‌نژاد، ۱۳۹۳) و رابطه صفات شخصیت با احساس گناه (نادی، عزیزی و مسجدی، ۱۳۹۸) است.

با مد نظر قرار دادن مطالب فوق می‌توان گفت امنیت اجتماعی تأثیری اساسی در عملکرد روانی - اجتماعی دارد، با شاخص‌های بسیاری از آسیب‌پذیری و آسیب‌شناسی روانی مرتبط است و به عنوان یک عامل محافظت‌کننده از سلامت روانی - اجتماعی به شمار می‌رود (کلی و همکاران، ۲۰۱۲). به رغم اهمیت این سازه مطالعات اندکی در رابطه با شناسایی پیشایندهای آن صورت گرفته است و

پژوهش در این زمینه در مراحل آغازین است. لذا نتایج این پژوهش به لحاظ نظری و کاربردی در خور اهمیت بوده و می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌های بیشتر باشد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر تبیین امنیت اجتماعی با استفاده از پیشایندهای درون‌فردی روان‌آزرده‌گرایی و ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی است. با توجه به هدف ذکر شده، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که «آیا ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی می‌تواند در رابطه بین روان‌آزرده‌گرایی و امنیت اجتماعی نقش واسطه‌گری ایفا نماید؟» شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

• روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که در آن روابط بین متغیرهای پژوهش به روش تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد مطالعه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز بودند که در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند. مشارکت‌کنندگان پژوهش ۲۹۵ نفر از دانشجویان بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای، از بین چهار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشکده هنر و معماری و دانشکده علوم پایه انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا فهرست دانشکده‌های دانشگاه شیراز تهیه شد و سپس از بین این دانشکده‌ها، چهار دانشکده مذکور به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از هر دانشکده دو کلاس (در مجموع هشت کلاس) به صورت تصادفی انتخاب شد و تمام دانشجویان کلاس‌ها (در مجموع حدوداً ۲۹۵ دانشجو) به مقیاس روان‌آزرده‌گرایی کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲)، مقیاس ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی چن و همکاران (۲۰۱۵) و مقیاس لذت و امنیت اجتماعی گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹) به صورت فردی پاسخ دادند. انتخاب این تعداد براساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۶) مبنی بر انتخاب تعداد شرکت‌کنندگان پژوهش بر اساس ۱۰ تا ۲۰ برابر تعداد پارامترهای مدل، صورت گرفت. معیار ورود به پژوهش رضایت دانشجویان و استاد کلاس و معیار خروج از پژوهش نیز ناقص بودن پرسشنامه بود. به آزمودنی‌ها نیز گفته شد که پاسخ‌های آن‌ها صرفاً جهت انجام کار پژوهشی بوده و بدون نام و نام خانوادگی و به صورت محرمانه در نزد پژوهشگر باقی می‌مانند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، پرسشنامه‌های ناقص و مخدوش کنار گذاشته شدند و در نهایت پرسشنامه ۲۹۱ نفر از آزمودنی‌ها (۱۲۱ پسر؛ ۴۱/۵۹ درصد و ۱۷۰ دختر؛ ۵۸/۴۱) مورد تحلیل نهایی قرار گرفت. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان پژوهش به ترتیب ۲۰/۰۹ و ۲/۵۸ سال به دست آمد.

ابزارهای پژوهش

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به متغیرها از این ابزارها استفاده شد:

الف. مقیاس روان‌آزرده‌گرایی (Neuroticism Scale): این مقیاس با هدف سنجش صفت روان‌آزرده‌گرایی از پرسشنامه پنج

عامل بزرگ شخصیت (نتو) که از سوی کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) طراحی و اعتباریابی شده است، انتخاب شد. این مقیاس دارای ۱۲

ماده است که بر روی طیف لیکرت پنج درجه‌ای از خیلی کم (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس از سوی کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. نسخه فارسی مقیاس نئو از سوی حق‌شناس (۱۳۸۵) اعتباریابی گردید. وی روایی ابزار را به روش تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس برای ایجاد همبستگی بین مؤلفه‌ها بررسی و تأیید نمود. عامل‌های موجود در مقیاس براساس ارزش ویژه بالاتر از یک و شیب نمودار اسکری استخراج گردید. همچنین بار عاملی ماده‌های روان‌آزرده‌گرایی در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۸۰ بودند. برای بررسی اعتبار از ضریب آلفای کرونباخ و اعتبار بازآزمایی استفاده شد که مقدار این ضرایب برای مؤلفه روان‌آزرده‌گرایی به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۵۳ گزارش شده است. در پژوهش حاضر روایی مقیاس به روش تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت ($X^2/df=2/01$, $GFI=0/95$, $AGFI=0/93$, $IFI=0/95$, $CFI=0/95$, $RMSEA=0/06$ و $PCLOSE=0/20$). اعتبار این مقیاس نیز با مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ مورد تأیید قرار گرفت.

ب. مقیاس ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی (Basic Psychological Needs Satisfaction and Frustration Scale)

این مقیاس با هدف سنجش ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی از سوی چن و همکاران (۲۰۱۵) طراحی و اعتباریابی شده است. این مقیاس دارای ۲۴ ماده است که ارضاء نیازهای خودمختاری (گروه‌های شماره ۱، ۷، ۱۳ و ۱۹)، شایستگی (ماده‌های شماره ۵، ۱۱، ۱۷ و ۲۳)، ارتباط (ماده‌های شماره ۳، ۹، ۱۵ و ۲۱) و ناکامی نیازهای خودمختاری (ماده‌های شماره ۲، ۸، ۱۴ و ۲۰)، شایستگی (ماده‌های شماره ۶، ۱۲، ۱۸ و ۲۴) و ارتباط (ماده‌های شماره ۴، ۱۰، ۱۶ و ۲۲) را مورد بررسی و سنجش قرار می‌دهد. ماده‌های این مقیاس بر روی طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً نادرست (نمره ۱) تا کاملاً درست (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. روایی و اعتبار این مقیاس از سوی چن و همکاران (۲۰۱۵) مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. آنان ضریب آلفای کرونباخ برای ارضاء نیازها را در دامنه ۰/۷۳ تا ۰/۸۹ و مقدار این ضریب برای ناکامی نیازها را در دامنه ۰/۶۴ تا ۰/۸۶ گزارش نمودند. شیخ‌الاسلامی، یزدانی و رضوی اصطهباناتی (۱۳۹۸) روایی نسخه فارسی این مقیاس را به روش تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی و تأیید قرار داده‌اند ($X^2/df=1/72$, $GFI=0/86$, $CFI=0/91$, $IFI=0/91$, $NFI=0/81$, $TLI=0/89$, $RMSEA=0/05$, $PCLOSE=0/07$). هم‌چنین آنان اعتبار مؤلفه‌های این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۲ و آلفای کرونباخ برای نمره کل ارضاء نیازهای روانشناختی ۰/۸۱ و برای ناکامی نیازهای روانشناختی ۰/۸۵ گزارش نموده‌اند (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر روایی مقیاس به روش تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت ($X^2/df=1/83$, $GFI=0/90$, $AGFI=0/86$, $IFI=0/92$, $CFI=0/92$, $RMSEA=0/05$ و $PCLOSE=0/22$). اعتبار این مقیاس نیز با مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد ارضاء خودپیروی، ناکامی خودپیروی، ارضاء ارتباط، ناکامی ارتباط، ارضاء شایستگی، ناکامی شایستگی، ارضاء کل نیازهای بنیادین و ناکامی کل نیازهای بنیادی به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۷۴، ۰/۷۳، ۰/۷۲، ۰/۷۷، ۰/۷۱، ۰/۸۵ و ۰/۸۵ مورد تأیید قرار گرفت.

ج. مقیاس لذت و امنیت اجتماعی (Social Safeness and Pleasure Scale-SSPS)

عامل است که امنیت اجتماعی را به عنوان یک مولفه واحد مورد سنجش قرار می‌دهد و توسط گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹) ساخته شده است. ماده‌های این مقیاس بر روی طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره‌گذاری می‌شوند که حداقل نمره در این مقیاس ۱۱ و حداکثر نمره ۵۵ است. روایی این مقیاس توسط گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹) به روش تحلیل عاملی تاییدی مطلوب گزارش شده است. در پژوهش ماتوس، دیوارت، پینتو‌گویا و ماتوس (۲۰۱۵) آلفای کرونباخ ۰/۹۴ و در پژوهش آکین، اویسال، اوزکارا و بینگل (۲۰۱۲) آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. در ایران نیز علوی، اصغری مقدم، رحیمی‌نژاد، فراهانی و مدرس غروی (۱۳۹۵) و یعقوب‌خانی، اسدزاده، سعدی‌پور، دلاور و درتاج (۱۳۹۶) اعتبار ابزار را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش دادند. روایی مقیاس نیز به روش تحلیل عاملی تاییدی در پژوهش علوی و همکاران (۱۳۹۵)، ($X^2/df=1/30$, $GFI=0/97$, $AGFI=0/93$, $CFI=0/99$ و $RMSEA=0/03$)، و یعقوب‌خانی و همکاران (۱۳۹۶)، ($X^2/df=1/25$, $GFI=0/95$, $CFI=0/99$ و $RMSEA=0/03$) مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز اعتبار این ابزار به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. هم‌چنین شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی حکایت از تأیید روایی مقیاس داشت ($X^2/df=2/25$, $GFI=0/95$, $AGFI=0/91$, $IFI=0/97$, $CFI=0/97$, $RMSEA=0/06$ و $PCLOSE=0/08$).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: برای بررسی آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و همبستگی بین متغیرهای پژوهش از نرم‌افزار

SPSS (نسخه ۲۴) استفاده گردید. هم‌چنین برای ارزیابی ارتباط علی میان متغیرهای پژوهش از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار AMOS (نسخه ۲۴) و برای بررسی نقش واسطه‌گری متغیر میانجی از دستور بوت‌استرپ در نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

• یافته‌ها

در این بخش ابتدا به بررسی میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش و در انتها به ارزیابی مدل پژوهش پرداخته شده است. قبل از ورود به آزمون مدل مفهومی پژوهش، مواردی هم‌چون داده‌های از دست رفته، موارد دورافتاده (پرت) و نرمال بودن متغیرها مورد بررسی قرار گرفت.

الف: داده‌های از دست رفته: اگرچه در پژوهش حاضر تلاش شد تا داده‌های کاملی از گروه نمونه جمع‌آوری گردد، با این حال در فایل داده‌ها برخی داده‌های از دست رفته وجود داشت. در پژوهش حاضر داده‌های مفقود با میانگین مقادیر متغیرها جایگزین شد.

ب: موارد پرت: برای بررسی موارد پرت در پژوهش حاضر از دستور Explore در برنامه SPSS استفاده شد؛ نتایج بررسی موارد پرت در متغیرهای پژوهش حاضر نشان داد که در هیچ یک از متغیرهای پژوهش موارد پرت وجود ندارد. بنابراین، از این جهت مشکلی برای تحلیل مسیر وجود ندارد.

ج: بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای مشاهده شده: برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای مشاهده‌شده در پژوهش حاضر از دو شاخص رایج برای بررسی نرمال بون، شامل کجی و کشیدگی استفاده شد. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که قدر مطلق ضریب کجی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش به ترتیب کمتر از ۳ و کمتر از ۱۰ بود؛ بنابراین، توزیع تمامی متغیرهای پژوهش نرمال است (بیرن، ۲۰۰۱). به‌طورکلی، نتایج ارائه شده در این بخش نشان می‌دهد که تمامی مفروضه‌های اساسی تحلیل مسیر برقرار است و بنابراین برای این تحلیل مانعی وجود ندارد.

شاخص‌های نرمال بودن متغیرهای پژوهش در جدول ۱ و میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش به همراه همبستگی بین متغیرها در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۱. شاخص‌های نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها	کجی		کشیدگی	
	آماره	انحراف معیار	آماره	انحراف معیار
۱. روان‌آزرده‌گرایی	۰/۱۶	۰/۱۴	-۰/۰۵	۰/۲۸
۲. ارضاء نیازها	-۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۰۳	۰/۲۸
۳. ناکامی نیازها	۰/۲۹	۰/۱۴	۰/۰۰۶	۰/۲۸
۴. امنیت اجتماعی	-۰/۳۷	۰/۱۴	۰/۵۸	۰/۲۸

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

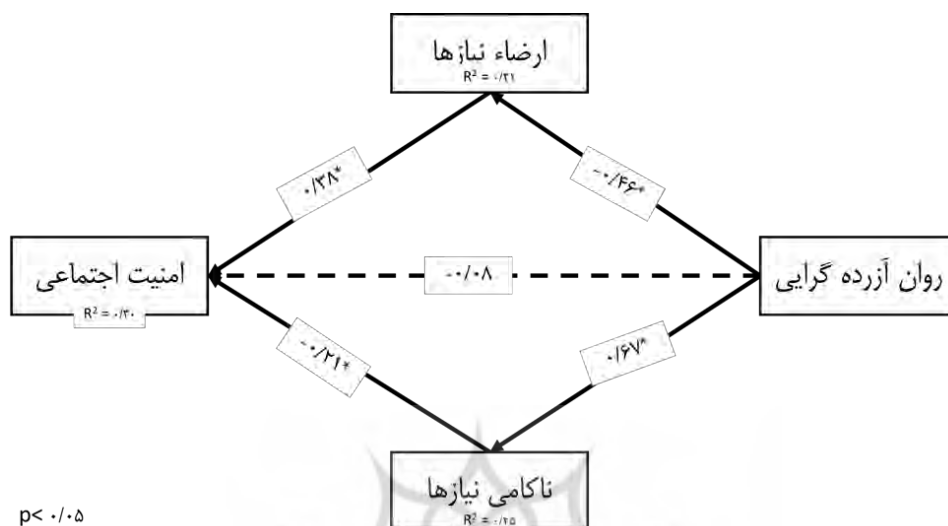
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴
۱. روان‌آزرده‌گرایی	۳۰/۴۸	۷/۸۶	۱			
۲. ارضاء نیازها	۴۲/۵۴	۷/۵۴	-۰/۴۶**	۱		
۳. ناکامی نیازها	۲۸/۶۷	۷/۸۸	۰/۶۷**	-۰/۵۵**	۱	
۴. امنیت اجتماعی	۳۶/۳۷	۷/۹۹	-۰/۳۹**	۰/۵۳**	-۰/۴۷**	۱

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

همان‌گونه که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، همبستگی بین متغیرها در همه موارد معنادار است از این‌رو امکان بررسی مدل پژوهش فراهم گردید. در بررسی مدل پژوهش، ابتدا برازش مدل تحلیل مسیر بررسی گردید. مطابق با نظر شوماخر و لومکس (۲۰۰۴)، برای بررسی برازش مدل تحلیل مسیر از دو معیار شدت و جهت پارامترهای برآورد شده مطابق با مبانی نظری و پیشینه پژوهش و معناداری آماری پارامترهای برآورد شده منفرد برای مسیرهای مدل تحلیل مسیر که مقادیری بحرانی بوده و بر اساس تقسیم برآورد پارامترها بر خطاهای معیار مربوطه به دست می‌آیند، استفاده گردید که برازش مدل پژوهش بر اساس هر دو شاخص محرز گردید. هم‌چنین

شاخص‌های برازش مدل نیز حاکی از برازش مطلوب مدل بود ($X^2/df=2/21$, $NFI=0/69$, $TLI=0/97$, $GFI=0/96$, $CFI=0/98$, $AGFI=0/93$, $PCLOSE=0/09$, $RMSEA=0/07$, $IFI=0/97$).

در بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر این‌که «ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی در ارتباط بین روان‌آزرده‌گرایی و امنیت اجتماعی نقش واسطه‌گری دارد» نتایج پژوهش نشان داد ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی توانست نقش واسطه‌گری در بین روان‌آزرده‌گرایی و امنیت اجتماعی ایفا نماید. نتایج دقیق‌تر در شکل ۲ و جدول ۳ آورده شده است.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش

جدول ۳. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش

اثر کل		اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		مسیرها
P	β	p	β	p	β	
0/002	-0/46	-	-	0/002	-0/46	از روان‌آزرده‌گرایی به ارضاء نیازها
0/002	0/67	-	-	0/002	0/67	از روان‌آزرده‌گرایی به ناکامی نیازها
0/002	0/38	-	-	0/002	0/38	از ارضاء نیازها به امنیت اجتماعی
0/007	-0/21	-	-	0/007	-0/21	از ناکامی نیازها به امنیت اجتماعی
0/002	-0/40	0/002	-0/32	0/27	-0/08	از روان‌آزرده‌گرایی به امنیت اجتماعی

همان‌گونه که اطلاعات شکل ۲ و جدول ۳ نشان می‌دهند، روان‌آزرده‌گرایی دارای اثر منفی و معنادار بر ارضاء نیازهای بنیادین، روان‌آزرده‌گرایی دارای اثر مثبت و معنادار بر ناکامی نیازهای بنیادین، ارضاء نیازهای بنیادین اثر مثبت و معنادار بر امنیت اجتماعی، ناکامی نیازهای بنیادین دارای اثر منفی و معنادار بر امنیت اجتماعی بود. روان‌آزرده‌گرایی نیز به لحاظ آماری تاثیر معناداری بر امنیت اجتماعی ندارد. هم‌چنین ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادی دارای نقش واسطه‌گری در ارتباط بین روان‌آزرده‌گرایی و امنیت اجتماعی بود.

• بحث

همانطور که پیش‌تر اشاره هدف پژوهش حاضر تبیین علی امنیت اجتماعی با استفاده از پیشایندهای درون‌فردی روان‌آزرده‌گرایی و ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی در قالب مدل تحلیل مسیر بود.

همان‌گونه که مدل تجربی پژوهش نشان می‌دهد، روان‌آزرده‌گرایی پیش‌بینی‌کننده مثبت ناکامی نیازها و پیش‌بینی‌کننده منفی ارضاء نیازها بود. این یافته با مبانی نظری و پیشینه پژوهشی مبنی بر رابطه منفی صفت شخصیتی روان‌آزرده‌گرایی با نیازهای بنیادین روانشناختی همسو است (اینسکو و جاکوب، ۲۰۱۹؛ فریدونی و همکاران، ۱۳۹۳). در تبیین این یافته می‌توان گفت، روان‌آزرده‌گرایی با فراهم آوردن پاسخ‌های ناکارآمد شناختی، هیجانی و رفتاری موجب کاهش موقعیت‌هایی می‌شود که فرد می‌تواند از طریق آن‌ها نیازهای بنیادین

روانشناختی خود را برآورده کند. به بیان دیگر، افراد روان‌رنجورخو به لحاظ شناختی دچار ایده‌های غیرمنطقی هستند، شرایط عادی را تهدیدآمیز توصیف می‌کنند و ناکامی‌های جزئی را فاجعه‌آمیز تلقی می‌کنند و به دلیل اینکه ثبات هیجانی لازم را ندارند، دائم مضطرب و نگران بوده (ویدیکر و اولتمان، ۲۰۱۷) و به لحاظ رفتاری واکنش‌های نامناسبی همچون پرخاشگری و زورگویی (سان و همکاران، ۲۰۱۶؛ هین و همکاران، ۲۰۱۵) از خود بروز می‌دهند که مجموعه این پاسخ‌ها برآورده شدن نیازها را با دشواری مواجه می‌کند. ماحصل این سبک شناختی، هیجانی و رفتاری از دست دادن ارتباط‌های سالم با دیگران، احساس ناشایستگی و کسب این ادراک می‌شود که فرد توانایی مدیریت هیجان‌های خود را ندارد؛ که به ترتیب اشاره به عدم موفقیت در ارضای نیازهای ارتباطی، شایستگی و خودمختاری و ناکامی در ارضای این نیازها دارد. در واقع این افراد به جهت اضطراب و نگرانی دائمی که با خود به همراه دارند، دچار نوعی اجتناب در اعمال خود هستند. بدین صورت که از ارتباط با افراد مختلف اجتناب نموده و این نگرانی تا جایی ادامه پیدا می‌کند که از انجام مستقلانه و مقتدرانه اعمالی که برای آنان احساس شایستگی و خودمختاری به همراه دارد، اجتناب نموده و این مساله باعث می‌شود که در ارضای نیازهای بنیادین خود هم‌چون شایستگی، خودمختاری و ارتباط ناکام بماند. به عنوان مثال دانشجوی با نمره بالا در صفت روان‌آزرده‌گرایی، به دلیل ایده‌های غیرمنطقی، فاجعه‌نمایی، نگرانی و غیره در برقراری ارتباط مطلوب و مناسب با دوستان، استادان و سایر کارکنان دانشگاه دچار ضعف بسیار می‌گردد و از این طریق نیاز به ارتباط وی مورد تهدید قرار می‌گیرد. هم‌چنین وی با توجه به موارد مذکور در انجام مستقلانه تکالیف تحصیلی و غیرتحصیلی خود دچار مشکل می‌شود که مساله نیز سایر نیازهای بنیادین روانشناختی وی را دچار مشکل می‌سازد.

از دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به رابطه مثبت ارضای نیازها و رابطه منفی ناکامی نیازها با امنیت اجتماعی اشاره کرد. بدین معنی که هر چه نیازهای بنیادین روانشناختی شامل خودمختاری، شایستگی و تعلق با کمیت و کیفیت بهتری برآورده شود، میزان آرامش، لذت و امنیتی که دانشجویان در روابط خود احساس می‌کنند، بیشتر است. از طرف دیگر، هر چه میزان ناکامی نیازهای مذکور با شدت بیشتری رخ دهد، امنیت اجتماعی تجربه شده نیز کمتر است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های دیگر مبنی بر رابطه مثبت ارضای نیازها با متغیرهای نزدیک همچون بهزیستی اجتماعی (لئو، ۲۰۱۸)، روابط اجتماعی با کیفیت‌تر (بیکر و همکاران، ۲۰۲۰)، و ناکامی نیازها با عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی، یعنی زورگویی (هین و همکاران، ۲۰۱۵) و پرخاشگری (واندنکرکوف و همکاران، ۲۰۱۹) همسو است. در تبیین این یافته مطابق نظریه خودتعیین‌گری (ریان و دسی، ۲۰۱۷) می‌توان اذعان نمود، چنانچه نیازهای بنیادین روانشناختی برآورده شود فرد عملکرد بهتری در جنبه‌های مختلف روانشناختی و اجتماعی تجربه خواهد کرد. در واقع، زمانی که نیاز به ارتباط در دانشجویان ارضا می‌شود، یعنی فرد احساس تعلق به آن موقعیت یا افراد آن بافت تحصیلی مانند دوستان و استادان خود دارد. این احساس تعلق به محیط تحصیلی و افراد آن محیط باعث می‌شود که دانشجویان احساس امنیت بیشتری داشته باشند، لذا امنیت اجتماعی بیشتری را تجربه می‌نمایند. چرا که این احساس تعلق به آنان پشتوانه هیجانی و عاطفی مطلوبی در برخورد با موقعیت‌های اجتماعی مختلف فراهم می‌آورد که یکی از پیامدهای آن احساس لذت و امنیت اجتماعی است. در خصوص ارضای نیاز به خودمختاری نیز قابل ذکر است که زمانی نیاز به خودمختاری در دانشجویان ارضای می‌شود این بدان معناست که دانشجو خود را فردی تلقی می‌کند که می‌تواند منشاء فعالیت‌ها و انتخاب‌های خود باشد. در واقع وی در روابط اجتماعی خود احساس مجبور بودن و تحت فشار قرار داشتن را ندارد. بدین صورت ارضای نیاز به خودمختاری به وی کمک می‌نماید تا در روابط اجتماعی خود احساس لذت و امنیت اجتماعی بیشتری را تجربه نماید. هم‌چنین ارضای نیاز به شایستگی در دانشجویان این باور را در آنان به وجود می‌آورد که می‌توانند در روابط اجتماعی خود، تعیین‌کننده نتیجه و پیامد آن روابط باشند. یعنی نوعی باور به خودکارآمدی در آنان ایجاد می‌گردد که توانایی لازم برای مدیریت و دستیابی به نتیجه مطلوب در روابط اجتماعی را دارند (ریان و دسی، ۲۰۱۷؛ نیشیمورا و سوزکی، ۲۰۱۶) که این موارد موجب احساس امنیت اجتماعی بیشتر آنان می‌گردد. در واقع بدین شرح است که ارضای شدن نیازهای بنیادین روانشناختی باعث احساس امنیت اجتماعی بیشتر و ناکامی در ارضای این نیازهای باعث کاهش امنیت اجتماعی می‌گردد. چنانچه پژوهش‌های پیشین نیز نشان می‌دهد که ارضای مطلوب این نیازها با شاخص‌های امنیت اجتماعی هم‌چون نشاط ذهنی (تیلور و لانسدیل، ۲۰۱۰)، عزت‌نفس (یومیت، ۲۰۱۵) و اضطراب پایین (بارد و همکاران، ۲۰۰۴) همراه است. در واقع رخداد این شاخص‌ها می‌تواند به عنوان تسهیل‌کننده روابط و زمینه‌ساز احساس آرامش در تعاملات بین‌فردی ایفای نقش کنند، که در نهایت امنیت اجتماعی را در افراد افزایش می‌دهد. هم‌چنین قابل ذکر است زمانی که فرد در

ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی خود شکست می‌خورد، واکنش‌های مخالفت‌ورزانه‌ای نسبت به منبعی (فردی) که باعث ناکامی نیاز وی شده است ارائه می‌دهد (ریان و همکاران، ۲۰۱۶). چنین مخالفتی که در حقیقت واکنشی به کنترل‌گری دیگران است زمینه‌ساز کاهش امنیت و لذت در روابط اجتماعی است. در نتیجه این یافته منطقی به نظر می‌رسد.

بحث آخر مربوط به تبیین رابطه روان‌آزرده‌گرایی با امنیت اجتماعی و هم‌چنین نقش واسطه‌گری ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین روان‌آزرده‌گرایی و امنیت اجتماعی است. در حالی که ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاکی از رابطه منفی و معنادار روان‌آزرده‌گرایی (متغیر مستقل) و امنیت اجتماعی (متغیر وابسته) است، لیکن وقتی همه متغیرها با هم وارد مدل تحلیل مسیر و معادله رگرسیون می‌شوند از اثر مستقیم روان‌آزرده‌گرایی بر امنیت اجتماعی کاسته می‌شود و نقش واسطه‌گری ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی در این بین برجسته می‌گردد. این یافته با مبانی نظری و تجربی پژوهش مبنی بر اینکه صفات شخصیتی از طریق واسطه‌ها و به روش غیرمستقیم بر رفتارها و احساسات افراد اثر می‌گذارند، همسو است (کوهن و مورس، ۲۰۱۴؛ باس و لارسن، ۲۰۲۰). در واقع پژوهش‌گران حوزه شخصیت و منش اذعان نموده‌اند که صفات شخصیت بیشتر از طریق سازوکارهای واسطه‌ای پیامدهایی را برای افراد رقم می‌زنند. بدین صورت که رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و پیامدهای رفتاری و هیجانی فراتر از یک رابطه مستقیم است و صفات شخصیت از مسیرهای غیرمستقیم همچون انتخاب موقعیت و ایجاد موقعیت می‌توانند بر پیامدهای رفتاری و هیجانی اثرگذار باشند (کوهن و مورس، ۲۰۱۴؛ باس و لارسن، ۲۰۲۰). از طرفی بر اساس منطق روش تحلیل مسیر زمانی که همه متغیرها با هم وارد معادله رگرسیون می‌شوند و از اثر مستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته کاسته شده و نقش واسطه‌گری متغیرهای میانجی برجسته می‌گردد، این موضوع می‌تواند بر اعتبار مدل تجربی پژوهش بیفزاید (شوماخر و لومکس، ۲۰۰۴).

در تبیین نقش واسطه‌گری ارضاء و ناکامی نیازهای بنیادین در رابطه بین روان‌آزرده‌گرایی و امنیت اجتماعی، علی‌رغم تبیین‌های صورت گرفته در خصوص رابطه دو به دو این متغیرها، توجه به خرده مکانیزم‌های علی تشکیل دهنده این مسیر نیز قابل تامل است. در واقع روان‌آزرده‌گرایی به عنوان یک صفت شخصیتی راه‌انداز این نظم علی است. بدین صورت که فرد با ویژگی روان‌آزرده‌گرایی مجموعه پاسخ‌های شناختی، رفتاری و هیجانی متناسب با این صفت شخصیتی را ایجاد می‌کند. در این میان صفت روان‌آزرده‌گرایی زمینه‌ساز پاسخ‌های ناسازگار در جنبه‌های مختلف زندگی می‌شود (اسلوایش و همکاران، ۲۰۱۸) و هم‌چنین باعث می‌شود که فرد موقعیت‌ها و محیط‌هایی را برای خود بیافریند، یا ایجاد و انتخاب نماید که به نوعی مویذ و متناسب با شاخص‌ها و نمودهای روان‌آزرده‌گرایی باشد. لذا دانشجویان با سطوح بالای روان‌آزرده‌گرایی با ویژگی‌هایی همچون ناپایداری هیجانی، اضطراب و دمدمی مزاجی که با خود به موقعیت‌های اجتماعی می‌آورند، مانع برآورده شدن نیازهای بنیادین روانشناختی خود می‌شوند. در ادامه این نظم علی در جهت پیامدهای ناسازگار عدم ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی و پیامدهای سازگار ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی حرکت می‌کند. در واقع برآورده نشدن این نیازها پایه‌های دلبستگی و امنیت را با مشکل مواجه می‌کند که موجب محروم شدن فرد از احساس صمیمت و پذیرش در روابط بین‌فردی می‌گردد. در نتیجه باعث کاهش لذت و امنیت اجتماعی در آنان می‌شود. به عنوان مثال دانشجویان با ویژگی روان‌آزرده‌گرایی موقعیت‌های موجود در محیط تحصیلی از قبیل جلسات درسی، کلاسی، مکان‌های ورزشی، و غیره موجود در دانشگاه را به گونه‌ای برای خود تدارک می‌بینند که در آن شانس کمتری برای ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی خود هم‌چون نیاز به ارتباط، خودمختاری و شایستگی را دارند و در ادامه چنانچه در خصوص تاثیر نیازهای بنیادین روانشناختی بر امنیت اجتماعی ذکر شد، باعث کاهش احساس لذت و امنیت اجتماعی در خود می‌شوند.

• نتیجه‌گیری

در مجموع پژوهش حاضر نشان داد که نیازهای بنیادین روانشناختی نقش واسطه‌گری در رابطه بین روان‌آزرده‌گرایی و امنیت اجتماعی دارد. این یافته نشان می‌دهد که روان‌آزرده‌گرایی از طریق افزایش ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی منجر به افزایش امنیت اجتماعی می‌شود. هم‌چنین، روان‌آزرده‌گرایی از طریق کاهش ناکامی در ارضاء نیازهای بنیادین روانشناختی منجر به افزایش امنیت اجتماعی می‌شود.

پژوهش حاضر علی رغم نقاط قوت و یافته‌های جدید دارای محدودیت‌هایی نیز است. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بدین صورت است که این پژوهش با استفاده از طرح همبستگی صورت گرفت، لذا برای استنباط علی نیازمند تامل بیشتری است. همچنین مشارکت‌کنندگان پژوهش دانشجویان کارشناسی دانشگاه شیراز بودند که در تعمیم نتایج به سایر گروه‌های افراد لازم است این مساله مورد توجه قرار گیرد. نتایج حاصل از این پژوهش به لحاظ نظری و کاربردی، تلویحاتی را در بر دارد. به لحاظ نظری، به گسترش دانش در مورد پیشایندهای فردی امنیت اجتماعی کمک نمود. به لحاظ کاربردی نیز قابل توجه است که می‌توان از طریق آموزش به افراد جهت ارضای نیازهای بنیادین‌شان به ارتقا امنیت اجتماعی در آنان کمک نمود. در نهایت به عنوان پیشنهادات پژوهشی نیز قابل ذکر است که با توجه اینکه صفات شخصیت نشان‌دهنده تفاوت‌های فردی بین افراد است در نتیجه به بررسی مدل پژوهش حاضر در سایر دوره‌های تحصیلی و گروه‌های شغلی پرداخته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی سایر صفات شخصیت جهت تبیین امنیت اجتماعی پرداخته شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد که با افزودن متغیرهای موقعیتی به مدل پژوهش حاضر، امکان مقایسه بین نقش عوامل درون فردی و موقعیتی در پیش‌بینی امنیت اجتماعی فراهم گردد؛ و بدین وسیله نگاه جامع‌تری نسبت به پیشایندهای امنیت اجتماعی و پویایی‌هایی که بین آنها وجود دارد، حاصل شود.

• منابع

- حق‌شناس، حسن. (۱۳۸۵). هنجاریابی آزمون شخصیتی نئو، فرم تجدید نظر شده. *اندیشه و رفتار*، ۴ (۴)، ۳۸-۴۷.
- شیخ‌الاسلامی، راضیه؛ یزدانی، فرزانه و رضوی‌اصطهباناتی، زین‌السادات. (۱۳۹۸). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ارضا و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناختی. *مجله روانشناسی*، ۲۳ (۱)، ۶۶-۸۲.
- علوی، خدیجه؛ اصغری مقدم، محمدعلی؛ رحیمی‌نژاد، عباس؛ فراهانی، حجت‌اله و مدرس غروی، مرتضی. (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس امنیت و لذت اجتماعی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۹ (۱)، ۱۳-۵.
- فریدونی، لیلیا؛ نادری‌نجف‌آبادی، فاطمه و بساک‌نژاد، سودابه. (۱۳۹۳). رابطه‌ی بین ویژگی‌های شخصیت با نیازهای روانشناختی اساسی در دانشجویان دختر. *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ۳ (۵)، ۷۷-۶۳.
- محمدی، حمیده؛ فولادچنگ، محبوه. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای نیازهای اساسی روانشناختی در رابطه بین ارزش‌های فرهنگی (فردگرایی - جمع‌گرایی) و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان. *مجله روانشناسی*، ۲۳ (۱)، ۳۵-۱۹.
- نادی، محمد علی؛ عزیزی، هاجر؛ مسجدی، نفیسه. (۱۳۹۸). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، رفتار اخلاقی و احساس گناه با رفتار شهروندی اجباری. *مجله روانشناسی*، ۲۳ (۱)، ۹۸-۸۳.
- یعقوب‌خانی، مرضیه؛ اسدزاده، حسن؛ سعدی‌پور، اسماعیل؛ دلاور، علی و درتاج، فریبرز. (۱۳۹۷). ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی نسخه فارسی مقیاس امنیت و لذت اجتماعی (SSPS). *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، ۵۳، ۲۱۷-۲۳۷.
- Abbasi, I. S., & AlGhamdi, N. (2017). Polarized couples in therapy: Recognizing indifference as the opposite of love. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 43(1), 40-48.
- Akin, A., Uysal, R., Özkara, N., & Bingöl, T. Y. (2012). The validity and reliability of the Turkish version of the Social Safeness and Pleasure Scale (SSPS). In *Applied Education Congress, Ankara, Turkey*.
- Akram, H., & Malik, N. I. (2011). Relationship between personality traits and marital adjustment of teachers. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 3(4), 718-724.
- Ashraf, M., & Sitwat, A. (2016). Personality dimensions, positive emotions and coping strategies in the caregivers of people living with HIV in Lahore, Pakistan. *International Journal of Nursing Practice*, 22(4), 364-374.
- Baard, P. P., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2004). Intrinsic need satisfaction: A motivational basis of performance and well-being in two work settings. *Journal of Applied Social Psychology*, 34 (10), 2045-2068.
- Baker, Z. G., Watlington, E. M., & Knee, C. R. (2020). The role of rapport in satisfying one's basic psychological needs. *Motivation and Emotion*, 44(4), 1-15.
- Bas, D. L., & Larsen, R. J. (2020). *Personality Psychology: Domains of Knowledge About Human Nature*, McGraw-Hill.
- Bowlby, J. (1982). Attachment and loss: Retrospect and prospect. *American Journal of Orthopsychiatry*, 52(4), 664-678.
- Byrne, B. M. (2001). Structural equation modeling with AMOS, EQS, and LISREL: Comparative approaches to testing for the factoral validity of a measuring instrument. *International Journal of Testing*, 1(1), 55-86.
- Chen, B., Vansteenkiste, M., Beyers, W., Boone, L., Deci, E. L., Van der Kaap-Deeder, J., ... & Ryan, R. M. (2015). Basic psychological need satisfaction, need frustration, and need strength across four cultures. *Motivation and emotion*, 39 (2), 216-236.
- Cohen, T. R., & Morse, L. (2014). Moral character: What it is and what it does. *Research in organizational behavior*, 34, 43- 61.
- Correa, T., Hinsley, A. W., & de Zuniga, H. G. (2010). Who interacts on the Web?: Intersection of users' personality and social media use. *Computers in Human Behavior*, 26, 247-253.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). The five-factor model of personality and its relevance to personality disorders. *Journal of Personality Disorders*, 6(4), 343-359.
- Daud, A. H., Mahmood, Z., Naeem, F., & Saleem, S. (2018). Personality trait, interpersonal difficulties and mental health problems of khatusers and non-khat users: A comparative study. *Khyber medical university journal*, 10 (4), 206- 211.

- Faisal-Cury, A., Tabb, K., & Matijasevich, A. (2020). Partner relationship quality predicts later postpartum depression independently of the chronicity of depressive symptoms. *Brazilian Journal of Psychiatry*, *43*, 12- 21.
- Ganiban, J. M., Ulbricht, J. A., Lichtenstein, P., Hansson, K., Spotts, E. L., Reiss, D., & Neiderhiser, J. M. (2009). Understanding the role of personality in explaining associations between marital quality and parenting. *Journal of Family Psychology*, *23*(5), 646–660.
- Garn, A. C., Morin, A. J. S., & Lonsdale, C. (2019). Basic psychological need satisfaction toward learning: A longitudinal test of mediation using bifactor exploratory structural equation modeling. *Journal of Educational Psychology*, *111*, 354–372.
- Gattis, K. S., Berns, S., Simpson, L. E., & Christensen, A. (2004). Birds of a feather or strange birds? Ties among personality dimensions, similarity, and marital quality. *Journal of Family Psychology*, *18*(4), 564-574.
- Gilbert, P. (Ed.). (2005). *Conceptualisations, research and use in psychotherapy*. Routledge.
- Gilbert, P., McEwan, K., Bellew, R., Mills, A., & Gale, C. (2009). The dark side of competition: How competitive behaviour and striving to avoid inferiority are linked to depression, anxiety, stress and self-harm. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, *82*(2), 123- 136.
- Goodwin, R. D., Cox, B. J., & Clara, I. (2006). Neuroticism and physical disorders among adults in the community: results from the National Comorbidity Survey. *Journal of behavioral medicine*, *29*(3), 229-238.
- Hein, V., Koka, A., & Hagger, M. S. (2015). Relationships between perceived teachers' controlling behaviour, psychological need thwarting, anger and bullying behaviour in high-school students. *Journal of Adolescence*, *42*, 103–114.
- Hoferichter, F., & Raufelder, D. (2015). Examining the role of social relationships in the association between neuroticism and test anxiety—results from a study with German secondary school students. *Educational Psychology*, *35*(7), 851-868.
- Ibarra-Rovillard, M. S., & Kuiper, N. A. (2011). Social support and social negativity findings in depression: Perceived responsiveness to basic psychological needs. *Clinical psychology review*, *31*(3), 342-352.
- Ionescu, D., & Iacob, C. (2019). Self-authenticity, Optimism, and Neuroticism in relation to Basic Psychological Needs. *Romanian Journal of Psychology*, *21*(1), 28-34.
- Kelly, A. C., Zuroff, D. C., Leybman, M. J., & Gilbert, P. (2012). Social safeness, received social support, and maladjustment: Testing a tripartite model of affect regulation. *Cognitive Therapy and Research*, *36*(6), 815-826.
- Kline, R. B. (2016). *Methodology in the social sciences. Principles and practice of structural equation modeling (4th ed.)*. New York, NY, US: Guilford Press.
- Knabb, J., & Vogt, R. (2011). The relationship between personality and marital adjustment among distressed married couples seen in intensive marital therapy: An actor-partner interdependence model analysis. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, *33*(4), 417–440.
- Leow, K. (2018). *Creating a supportive environment: social support, basic psychological needs, and social well-being among older cancer survivors*. University of Rochester.
- Liotti, G., & Gilbert, P. (2011). Mentalizing, motivation, and social mentalities: Theoretical considerations and implications for psychotherapy. *Psychology and Psychotherapy: Theory, research and practice*, *84*(1), 9-25.
- Longley, S. L., Müller, S. A., Broman-Fulks, J., Calamari, J. E., Holm-Denoma, J. M., & Meyers, K. (2017). Taxometric analyses of higher-order personality domains. *Personality & Individual Differences*, *108*, 207-219.
- Malone, G. P., Pillow, D. R., & Osman, A. (2012). The general belongingness scale (GBS): Assessing achieved belongingness. *Personality and Individual Differences*, *52*(3), 311–316.
- Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The Five-Factor Model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, *44*(1), 124–127.
- Matos, M., Duarte, C., & Pinto-Gouveia, J. (2015). Constructing a self protected against shame: The importance of warmth and safeness memories and feelings on the association between shame memories and depression. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, *15*, 317- 335.
- Mercer, N., Crocetti, E., Meeus, W., & Branje, S. (2017). Examining the relation between adolescent social anxiety, adolescent delinquency (abstention), and emerging adulthood relationship quality. *Anxiety, Stress, & Coping*, *30*(4), 428-440.
- Nishimura, T., & Suzuki, T. (2016). Basic psychological need satisfaction and frustration in Japan: controlling for the big five personality traits. *Japanese Psychological Research*, *58*(4), 320-331.
- Ormel, J., Jeronimus, B. F., Kotov, R., Riese, H., Bos, E. H., Hankin, B., ... & Oldehinkel, A. J. (2013). Neuroticism and common mental disorders: meaning and utility of a complex relationship. *Clinical psychology review*, *33*(5), 686-697.
- Pieh, C., O'Rourke, T., Budimir, S., & Probst, T. (2020). Relationship quality and mental health during COVID-19 lockdown. *PLoS one*, *15*(9), 1- 10.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. New York: Guilford Publishing.
- Ryan, R. M., Deci, E. L., & Vansteenkiste, M. (2016). Autonomy and autonomy disturbances in self-development and psychopathology: Research on motivation, attachment, and clinical process. *Developmental psychopathology*, *1*, 1-54.
- Schumacker, R. E., & Lomax, R. G. (2004). *A beginner's guide to structural equation modeling*. psychology press.
- Slavich, G. M. (2020). Social safety theory: a biologically based evolutionary perspective on life stress, health, and behavior. *Annual review of clinical psychology*, *16*, 256- 295.
- Slavish, D. C., Sliwinski, M. J., Smyth, J. M., Almeida, D. M., Lipton, R. B., Katz, M. J., & Graham-Engeland, J. E. (2018). Neuroticism, rumination, negative affect, and sleep: Examining between-and within-person associations. *Personality and individual differences*, *123*, 217-222.
- Sun, J. W., Xue, J. M., Bai, H. Y., Zhang, H. H., Lin, P. Z., & Cao, F. L. (2016). The association between negative life events, neuroticism and aggression in early adulthood. *Personality and Individual Differences*, *102*, 139-144.
- Swickert, R. J., Hittner, J. B., Harris, J. L., & Herring, J. A. (2002). Relationships among Internet use, personality, and social support. *Computers in Human Behavior*, *18*(4), 437–451.
- Taylor, I. M., & Lonsdale, C. (2010). Cultural differences in the relationships among autonomy support, psychological need satisfaction, subjective vitality, and effort in British and Chinese physical education. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, *32* (5), 655-673.
- Ümmet, D. (2015). Self-esteem among college students: a study of satisfaction of basic psychological needs and some variables. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *174*, 1623-1629.
- Vandenkerckhove, B., Brenning, K., Vansteenkiste, M., Luyten, P., & Soenens, B. (2019). The explanatory role of basic psychological needs experiences in the relation between dependency, self-criticism, and psychopathology in adolescence. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, *41*, 574–588.

- Vansteenkiste, M., Ryan, R. M., & Soenens, B. (2020). Basic psychological need theory: Advancements, critical themes, and future directions. *Motivation and Emotion, 44*, 1–31.
- Widiger, T. A., & Oltmanns, J. R. (2017). Neuroticism is a fundamental domain of personality with enormous public health implications. *World Psychiatry, 16*(2), 144- 145.

